مطالعات تاریخ اسلام
سال ششم/ شمارهٔ ۲۱/ تابستان ۱۳۹۳

تجدیدنظرطلبی در جایگاه زن:
تجلی اندیشه مشروطه‌خواهانه اعتصام‌الملک در اشعار پروین اعتصامی

منیرالسادات میرهادی[۱]

چکیده: پروین اعتصامی‌از مشهورترین زنان شاعر معاصر ایران است؛ شاعری که در شعرهایش دغدغه‌های اجتماعی و نگاه نقادانه به جامعه‌اش را نشان داده است. از جمله این دغدغه‌ها، اعتقاد به ضرورت تحول در نقش و جایگاه زن ایرانی است. در این زمینه، او را باید فرزند زمان خویشتن دانست: دوران گذار از سنت به تجدد، از جامعهٔ استبدادزدهٔ به ایران پسامشروطه. اشعار پروین در موضوع زن، تحت‌تأثیر اندیشه‌های مشروطه‌خواهانی است که ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی را خواستار بودند. در میان این اندیشه‌ها، نگرش پدرش، میرزا یوسف آشتیانی (اعتصام‌الملک)، نقش مهمی‌در شکل‌گیری افکار پروین داشته است. آنچه در این مقاله آمده، تلاشی است برای نشان دادن این تأثیر است.

واژه‌های کلیدی: پروین‌اعتصامی، یوسف‌آشتیانی(اعتصام‌الملک)، مشروطه، جایگاه و نقش اجتماعی زنان

---

۱ دانش آموختهٔ کارشناسی ارشد مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام) moniramirhadi66@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۳/۰۲/۰۶

Revising the Status of Women: The Effects of E'tesam al-Molk's Constitutionalist Thought on Parvin E'tesami's Poems

Monirolsadat Mirhadi[1]

Abstract: Parvin E'tesami (1907-1941) should be viewed as one of the poets of the transitional period of the Iranian history from the Constitutional Revolution to modern era. Although she spent twenty years of her life in Reza Shah's modernization time, but the deep effects of the Constitutional movement's ideals on her poems can be recognized; ideals like freedom and equality which were embodied in people's demands for the establishment of the court of justice, the rule of law, limiting the unlimited power of the rulers, and making them responsible to citizens. Among such demands, women's demand for changing their social roles and status should not be ignored. As it will be seen, in many places in E'tesami's poems, the idea of necessary changes in women's social status is recognizable. The thoughts of her father, Mirza Yousef E'tesam al-Molk, had great influents on the formation of Parvin's views, including her views on women's rights. These as pects are discussed in the present paper.

Keywords: Parvin E'tesami, Yusef Ashtiani (E'tesam al-Molk), the Constitutional movement, women's social roles and status

1 Graduate MA in the Women Studies moniramirhadi66@gmail.com

طرح مسئله

ایران در اواخر دورهٔ قاجار و همچنین در دورهٔ پهلوی شاهد تغییرات عمده‌ای در عرصه‌های مختلف بوده است که ناشی از پیامدهای برخورد ایران سنتی با دنیای مدرن می‌باشد. آغاز تغییر در وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان نیز یکی از مسائل این دوره است. زن که در فرهنگ سنتی شهرنشینی ایرانی، تنها نقش اداره کنندهٔ امور خانه را داشت، در عرصهٔ اجتماع که محل فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معاش بود، بروز و ظهوری نداشت و در نتیجه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی دچار ضعف و انحطاط شده بود. امر تعلیم و تربیت در جامعهٔ ایران با مشکلات و عقب ماندگی‌های زیادی روبرو بود و بیشتر مردان از نعمت سواد محروم بودند، چه برسد به زن‌هایی که در فضای بستهٔ خانه به سر می‌بردند و نسبت به مردان از امکانات اقتصادی و موقعیت‌های اجتماعی کمتری برخوردار بودند. اما در نتیجهٔ ورود ایران به دوران تمدن مدرن و آغاز حرکت کشور به سوی مدرنیزاسیون، به تدریج نخبگان جامعه، نسبت به مسائل عمدهٔ جامعهٔ ایران که باعث عقب افتادن ایران از قافلهٔ پیشرفت بود، آگاهی یافتند. یکی از عمده‌ترین مشکلات ایران، وضعیت ناگوار تعلیم و تربیت بود که رو به انحطاط نهاده بود. لذا تعدادی از نخبگان جامعه، شروع به روشنگری در زمینهٔ لزوم ایجاد سیستمی‌جدید برای تعلیم و تربیت کردند که اعتصام‌الملک یکی از این دسته نخبگان بود که با ترجمهٔ قسمتی از کتاب *تحریرالمرأة* و نامگذاری آن با عنوان *تربیت زنان*، لزوم اهتمام جامعه به تعلیم و تربیت زنان را بیان کرد و خود در عرصهٔ عمل با انتشار *مجلهٔ بهار* در گسترش معارف در جامعه همت گماشت و با تعلیم و تربیت دخترش، پروین اعتصامی، یکی از بزرگ‌ترین نخبگان زن تاریخ معاصر ایران را پرورش داد. مسئلهٔ اساسی این تحقیق، چگونگی تأثیر آرا و افکار اعتصام الملک بر اشعار و آثار پروین اعتصامی‌در زمینهٔ بهبود منزلت و موقعیت زنان در جامعهٔ سنتی رو به تغییر ایران است. جامعه‌ای که در زمان زندگی شاعر با تغییرات ظاهری زیادی روبرو شد.

ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر، چند اثر در زمینهٔ مشارکت زنان در مشروطیت منتشر شده است. کتاب بدرالملوک بامداد با عنوان *زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید* و عبدالحسین ناهید با عنوان *زنان ایران در جنبش مشروطه* از معدود کتاب‌هایی است که در این زمینه به

طور مستقل منتشر شده است. در *انقلاب مشروطه ایران* اثر ژانت آفاری نیز فصلی به این موضوع پرداخته است. شاید بتوان ادعا کرد که کتاب *جنبش حقوق زنان در ایران* نوشته الیز ساناساریان از نادر کتاب‌هایی است که دربارهٔ جنبش حقوق زنان از دورهٔ قاجار تا انقلاب اسلامی‌ایران نوشته شده و در بخش‌هایی از آن دربارهٔ تأثیر کتاب‌هایی که در آن زمان انتشار یافته نیز بحث شده است.[۱] با این همه، هنوز چند و چون توصیف وضعیت زنان در آن زمان و ترسیم شرایط وضعیت مطلوب و بازتاب آن در ادبیات اجتماعی آن دوره، نیازمند تتبع بیشتر در منابع دست اول مربوط به آن دوران است. کتاب *تربیت نسوان* اعتصام الملک، از جمله آثاری است که تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است، در حالی که انتشار آن، تأثیر به سزایی در گسترش و تعمیق اهداف جنبش زنان داشته است. چنانچه خواهیم دید، در جای جای اشعار پروین، اندیشهٔ ضرورت تحول جایگاه اجتماعی زن ایرانی متجلی است و دیدگاه‌های میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک (پدر پروین) دربارهٔ زن، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری افکار پروین، از جمله در زمینه حقوق زن، داشته است. در این نوشتار به چگونگی این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

بر این اساس، پرسشی که مطرح می‌شود این است که:

با توجه به وضعیت در حال تغییر جامعهٔ ایرانی، افکار و آثار پروین اعتصامی‌در چه محورهایی، از آرا و افکار پدرش اعتصام الملک، تأثیر پذیرفت؟

با توجه به فضای بستهٔ فرهنگی و اجتماعی در دورهٔ پرورش پروین اعتصامی، اعتصام‌الملک خود به تعلیم و تربیت دخترش، همت گماشت و اندیشه‌های متعلق به تمدن مدرن نظیر آزادی، عدالت، مساوات، برابری زن و مرد و لزوم احقاق حقوق زنان را به همراه ادبیات کلاسیک فارسی و اخلاق به فرزندش آموخت و این امر سبب شد که پروین اعتصامی‌مضامین جدید و بدیع را به صورت شعر و در قالب مناظره میان عناصر متنازع و گاه متضاد جامعهٔ سنتی ایران بیان کند و مفهوم اشعارش بازتابی از آرا و افکار پدرش اعتصام الملک باشد.

جایگاه و نقش زن ایرانی مقارن با دورهٔ مشروطیت

بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که جامعهٔ ایرانی پیش از جنبش مشروطه‌خواهی، نقش

---

۱ الیز سانساریان(۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*، ترجمهٔ نوشین احمدی خراسانی، تهران: انتشارات اختران.

اجتماعی برای زنان قائل نبود و تلاش می‌شد زنان در خلوتخانهٔ زندگی خصوصی، محصور بمانند. در رابطه با آموزش و پرورش دختران، به لحاظ دامنهٔ فراگیری جمعیتی، یادگیری در میان زنان به شدت محدود بوده و معمولاً زنان طبقات بالاتر جامعه، مانند خاندان سلطنتی و اشراف بدان می‌پرداختند. گذشته از این، به لحاظ میزان یادگیری علوم، غالباً به یادگیری سواد خواندن و نوشتن در سطوح ابتدایی بسنده می‌شد. آموزش زنان نیز مانند مردان در مکتب‌خانه‌های سنتی که اغلب فاقد برنامه درسی، کادر آموزشی مناسب و امکانات لازم بود صورت می‌گرفت.

اگر چه ایرانیان با تمدن جدید غرب دست کم از دورهٔ حاکمیت سلسله صفوی در تماس بودند، آشنایی گسترده‌تر و عمیق‌تر میان جامعه سراپا سنتی ایران و تجدد در حال توسعه غرب از اواسط دورهٔ قاجاریه، به ویژه از زمان سلطنت ناصرالدین شاه، ابعاد گسترده‌تری یافت. استقرار سفرای کشورهای دیگر در ایران، تحولاتی که در امپراتوری عثمانی در همسایگی ایران سرعت می‌گرفت، اصلاحات و پیشرفت در ژاپن که به شکست روس‌ها (دشمن دیرین ایرانیان) انجامید و ده‌ها رخداد دیگر، ایرانیان را به مقایسهٔ حال و روز خود و آسیب‌شناسی وضعیت اسفباری که بدان دچار بودند فرا می‌خواند. تحولات فکری و اصلاحات اداری که به ویژه در دورهٔ صدارت امیرکبیر شکل گرفت و در دورهٔ صدارت سپهسالار به صورتی دیگر پی گرفته شد، آگاهی بخشی گسترده‌ای که روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ داخل و خارج در نقد وضعیت کشور و معرفی پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های کشورهای دیگر انجام می‌دادند، و تشکیل انجمن‌های سری که کسانی که دغدغه آینده کشور را داشتند در آن‌ها گرد هم می‌آمدند و به انتقاد از وضعیت حکومت و چاره‌جویی برای یافتن راه برون رفت از آن می‌پرداختند، راه را بر شکل‌گیری نهضت مشروطه خواهی هموار ساخت. فهرست مطالبات مردم که در رأس آن‌ها آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت بود به تدریج شکل گرفت. به منظور دستیابی به این مطالبات، هم به ضرورت انجام اصلاحات در ساختار حکومت توجه می‌شد و هم به لزوم تحول در سطح اجتماع. روی آوردن به نظام نوین آموزش و پرورش از جمله راهکارهایی بود که توسط مشروطه‌خواهان برای ارتقای سطح آگاهی عموم و آشنا ساختن آن‌ها با حقوق خود به عنوان شهروند به کار گرفته شد. اقشار مختلف از فرصت‌های اجتماعی که نهضت مشروطه‌خواهی فراهم ساخت برای دنبال کردن خواسته‌های خود استفاده کردند. زنان ایرانی، که تا آن روز وجودشان به خانه و کاشانه محدود بود، عرصه را برای ایجاد تحول در نقش و جایگاه اجتماعی خود مساعد

دیدند. زنان تحصیل کرده در این زمینه پیشتاز بودند. آنان با تشکیل انجمن‌ها، انتشار نشریه‌ها و تلاش برای تأسیس مدارس دخترانه‌ای که به سبک مدارس جدید اداره می‌شدند، نقش مهمی در تغییر الگوهای اجتماعی در رابطه با جایگاه و نقش زنان ایفا کردند. هر چند موانع و مشکلاتی که بر سراهشان بود، طی این طریق را با دشواری‌های بسیار همراه ساخت. مراودات رو به افزایش با دنیای متجدد و آگاهی از تحولاتی که در زمینهٔ نقش زنان در جوامع دیگر رخ می‌داد، باعث شد خودآگاهی زنان در شناخت جایگاه واقعی به تدریج افزایش یابد. اگرچه زنان درباره این که شأن و منزلت حقیقی آنان چه باید باشد تصور روشنی نداشتند، اما در انتقاد نسبت به وضعیت خود در جامعه، آگاهی بیشتری به دست می‌آوردند. در رأس این گروه، زنان خاندان‌های وابسته به قدرت و ثروت بودند. تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه قاجار یکی از این دسته از زنان است که خود به علت بستگی به دستگاه سلطنت قاجار از موقعیت بالایی در جامعه برخوردار بود. وی در خاطرات خود به وضعیت زنان در جامعهٔ ایران اعتراض می‌کند و با اظهار ناراحتی از اینکه مقام و موقعیت زنان به شدت تضعیف شده و عمرشان در فضای بستهٔ خانه، تحت ناملایمات سپری می‌شود، به موقعیت زنان در غرب اشاره می‌کند که با جدیت بسیار برای به دست آوردن حقوق سیاسی خود تلاش می‌کنند.[۱]

وضعیت زنان و دختران در جامعهٔ ایران با چنان آشفتگی و تنزّلی روبرو بود که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، تعدادی از دختران قوچانی را در مقابل مقدار کمی‌مالیات گندم به ترکمن‌ها فروختند.[۲] در کرمان نیز در زمان حکومت آصف‌الدوله در سال ۱۳۱۵هق گروهی از مردم کرمان برای آنکه بتوانند مالیات گزاف درخواستی حکومت را بپردازند، دخترهای خود را به قیمت دو تومان می‌فروختند.[۳]

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و باز شدن فضای سیاسی در جامعه، تعدادی از زنان دارای تحصیلات که به طبقهٔ بالای اجتماعی تعلق داشتند، در پی فراهم کردن زمینهٔ حضور زنان در جامعه و احقاق حقوق زنان بر آمدند. آن‌ها درک خاصّی از موقعیت اجتماعی و جایگاه زنان در جامعهٔ ایرانی داشتند. از نظر آن‌ها زندگی زن ایرانی در محیط خانه سپری می‌شد، و از همین

---

۱ تاج السلطنه(۱۳۷۱)، *خاطرات*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۹۸-۹۹ .

۲ احمدکسروی(۱۳۵۴)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۵. همچنین نک: افسانه نجم‌آبادی(۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان (از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

۳ عبدالحسین سپهر(۱۳۶۸)، *مرآت الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: زرین، ص ۱۷۵.

روی، زنان از شرایط جامعهٔ اطلاع و آگاهی درستی نداشتند و به همین علت تمام منزلت و موقعیت زن در نگاه غالب زنان ایرانی، منحصر به جمال و آراستگی ظاهر بود. چنین زنانی به لحاظ زندگی فردی و در محیط خانواده از حقوق لازم برخوردار نبودند و زندگی خود را در جهل و بی‌سوادی سپری می‌کردند و «کفایت عقل» و «اصالت رأی» نداشتند. جامعه نیز برای زن نقشی در محیط خارج از خانه در نظر نمی‌گرفت و از لحاظ اقتصادی نیز زن را جزء افراد بیکار به حساب می‌آورد. از همین روی، زن در نگاه جامعه، لایق عنوان «ضعیفه» بود.[۱] زنان نیز به این نوع نگاه جامعه تن در داده بودند و مقام و منزلت اجتماعی برای خود قائل نبودند.[۲]

فعالان حقوق، تلاش خود را به نهادینه کردن امر تعلیم و تربیت زنان در جامعه معطوف کردند، تا زنان با کسب علم و معرفت به حقوق و تکالیف خود در محیط خانواده و جامعه آشنایی یابند و در راه احقاق حقوق فردی و اجتماعی شان تلاش کنند. به این ترتیب انجمن‌های زنان شکل گرفت و این انجمن‌ها شروع به تاسیس مدارس جدید دخترانه، کلاس‌های آموزش بزرگسالان و درمانگاه کردند. تمام این اقدامات بدون کمک مالی حکومت انجام می‌گرفت، چرا که ورود زنان به عرصهٔ اجتماعی و تعلیم و تربیت آن‌ها، زمینهٔ فعالیت سیاسی را برایشان فراهم می‌آورد و حکومت با دخالت زنان در امور سیاسی مخالف بود.[۳]

از سوی دیگر، مشارکت زنان در حرکت‌های اجتماعی مانند نهضت تحریم تنباکو، آنان را نسبت به توانمندی‌هایشان در ایفای نقش شهروندی خود آگاه کرد. این خودآگاهی از قدرت اجتماعی زنان، زمینه را برای ورود بیش‌تر و گسترده‌تر آنان به عرصهٔ فعالیت اجتماعی فراهم ساخت. زنان در روزنامه‌هایی که توجه ویژه‌ای به مطالبات زنان داشتند در تهران و شهرستان‌ها (مابین سال‌های ۱۲۸۹–۱۳۰۷هش) یا *دانش* (۱۲۸۹–۱۲۹۰ تهران)، *شکوفه* (۱۲۹۲–۱۲۹۵ تهران)، *زبان زنان* (۱۲۹۸–۱۳۰۱ اصفهان)، *جهان زنان* (۱۳۰۰ مشهد)، *نامهٔ بانوان* (۱۲۹۹–۱۳۰۰ تهران)، *پیک سعادت نسوان* (۱۳۰۴–۱۳۰۷ رشت) و *عالم نسوان* (۱۲۹۹–۱۳۱۳ تهران)[۴] به طرح مطالبات خویش برای تحول جایگاه اجتماعی‌شان رو آوردند و به نگرش مردان

---

۱ محمدحسین خسروپناه(۱۳۸۱)، *هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، تهران: پیام امروز، صص ۷۶–۷۷.

۲ نک: روزنامهٔ شکوفه(۱۳۳۱هق)، ش ۶، ۹، ص ۲.

۳ ژانت آفاری(۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمهٔ رضا رضایی، تهران: بیستون، ص ۲۳۴.

۴ دربارهٔ نظری پژوهشی دربارهٔ مجلهٔ *عالم نسوان* نک: استفانی کرونین، *رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین*، ترجمهٔ مرتضی ثاقب‌فر؛ یاسمین رستمکلایی(۱۳۸۷)، برنامه گسترده برای زنان ایران «نو»، تهران: نشر جامی.

روزگار خویش نسبت به زن، تاختند.[۱] در این زمینه همچنین نویسندگان زن، یا مـردان طرفـدار حقوق زنان به تألیف و ترجمهٔ آثاری در این زمینه پرداختند. از جمله می‌توان به کتاب *معایـب الرجال* بی‌بی خانم استرآبادی اشاره کرد که در پاسخ به کتـاب *تأدیـب النسـوان* نگاشـت.[۲] ایـن کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست پاسخ به کتاب تأدیب النسوان و بخش دوم به شرح زندگانی بی‌بی خانم اختصاص دارد. وی توضیح مـی‌دهـد کـه منظـور او از مـردان در ایـن کتاب، مردان با عقل و شعور و با کفایت در امور نیست.[۳] وی با طعنـه و طنـز از نگـاه ابـزاری مردان نسبت به زنان سخن می‌گوید.[۴] این قبیل اعتراض‌ها منحصر به کتاب *معایب الرجـال* نبـود. روزنامه‌های دورهٔ مشروطه، گاه مقالاتی از زنان تحول خواه را منتشر می‌کردنـد.از جملـهٔ ایـن مقالات می‌توان به مقالهٔ مدیر یکی از مدارس دخترانه اشاره کرد که به نگرش مردان نسبت به زنان انتقاد کرد و نوشت که زنان هرگاه به لحاظ فکری مستقل شوند و به اعتراض علیه دشمنان ملت بپردازند، با انتقاد مردانی روبرو می‌شوند که وظیفـهٔ زنـان را تنهـا در خانـه‌داری خلاصـه می‌کنند و با ورود آن‌ها به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مخالفـاند.[۵]

تأسیس مدارس دخترانه در دورهٔ مقارن با جنبش مشـروطیت بـا مخالفـت‌هـای زیـادی در تهران و شهرستان‌ها روبرو می‌شد و حتی این مخالفت‌ها مدارس را به تعطیلـی مـی‌کشـاند. امـا فعالان زن به تلاش خود ادامه می‌دادند و طلب علم را طبق دستور اسـلام بـرای هـر مـرد و زن مسلمانی واجب می‌شمردند.[۶] سرانجام با تصویب متمم قانون اساسی مشروطه؛که تحصـیل علـوم،

---

۱ برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این تحرکات در راستای گرفتن حقوق زنـان در اجتمـاع از انقـلاب مشـروطیت تـا پایـان دوران پهلوی اول نک:

Afsaneh Najmabadi(1993), *Hazards of Modernity and Morality:Woman State, and Idology in Contemparary Iran , in Albert Hourani,Philip S. Khoury and Mary Wilson, eds, The Modern Middel East* , Berkeley and Los Angeles, Calif : University of California Press.

و افسـانه نجـم‌آبادی(بـا همکـاری غلامرضـا سـلامی)(۱۳۸۴)، نهضـت نسـوان شـرق، تهـران: نشـر شـیرازه؛ ژانـت آفاری(۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه سری* زنان در نهضت مشروطه، ترجمهٔ جواد یوسـفیان، تهـران: نشـر بـانو؛ معصـومه خداداد لزرجانی(۱۳۸۶)، *نقش زنان در انقلاب مشروطه*، رشت: انتشارات ایلیا؛ کوماری جایواردنـه(۱۳۷۷)، *مبـارزات زنان در ایران*، ترجمهٔ مه‌لقا کاشفی، جنس دوم (مجموعه مقالات)، به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهـران: نشـر توسعه؛ بدرالملوک بامداد(۱۳۴۷)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تـا انقـلاب سـفید*، تهـران: ابـن‌سـینا؛ پـری شـیخ الاسلامی(۱۳۵۱)، *زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران*، تهران: مؤلف.

۲ بی‌بی خانم استرآبادی(۱۳۱۲ق)، *معایب الرجال*، [بی‌جا]: [بی‌نا]: (نسخه چاپ سنگی)، صص ۳-۴ .

۳ همان، ص۴.

۴ همان، ص۵ .

۵ *روزنامهٔ ایران نو*(۱۲۹۰)، «دربارهٔ مصائب زنان»، ش ۱۰۲، ص ۳.

۶ *روزنامهٔ مساوات*(۱۳۲۶ق)، «تظلم جماعت نسوان طهران به انجمن اتحادیه طلاب»، ش۱۸، ص ۶.

صنایع و معارف را علی رغم مخالفت‌ها برای همه آزاد کرده بود؛ فضا بـرای بازگشـایی مـدارس دخترانه فراهم شد، اما هنوز مخالفت‌ها با مدارس دخترانه در سطح جامعه ادامه داشت.[۱]

جنبش زنان و به ویژه انجمن‌های زنان پس از دوره استبداد صغیر از نفـوذ و اثـر گـذاری بیشتری در سیاست برخوردار شدند. این انجمن‌ها به صورت نیمه مخفی و هماهنـگ تحـت نظر یک کمیته مرکزی عمل مـی‌کردنـد.[۲] اوج اثرگـذاری ایـن انجمـن‌هـا در تـاریخ سیاسـی مشروطه مربوط به زمان اولتیماتوم روسیه تزاری به ایران برای اخراج مورگان شوسـتر بـود. در این واقعه، تعداد سیصد تن از زنان با حجـاب و روبنـده و مسـلح، بـه مجلـس رفتنـد و از نمایندگان مجلس خواستند تا در برابر فزون خواهی روس‌ها ایستادگی کنند.[۳]

گروهی از متفکرین و آزادی‌خواهان ایرانی با احقاق حقوق زنان و ورود آن‌هـا بـه عرصـهٔ اجتماعی موافقت و همراهی داشتند که یکی از سرشناس‌ترین آن‌ها میرزا یوسف اعتصام‌الملـک آشتیانی است که با ترجمهٔ قسمتی از کتاب *تحریرالمرأة* قاسم امین مصری به فارسی و انتشـار آن با عنوان *تربیت نسوان* گام موثری در راه ایجادزمینهٔ فکری تعلیم و تربیت زنان برداشت.

اعتصام‌الملک و تربیت نسوان

یکی از آثاری که در آن زمان دربارهٔ ضرورت تحول جایگاه و نقش اجتماعی زن منتشر شد و مورد توجه مشروطه خواهان قرار گرفت، کتاب *تربیت نسوان* است. این کتاب، چند فصل از کتاب *تحریرالمرأة* است که توسط میرزا یوسف مستوفی آشتیانی (اعتصام الملک) از عربی بـه فارسی ترجمه شده است. مجلهٔ *بهار* که نخستین اشعار پروین در آنجا انتشار یافت به مدیریت او منتشر می‌شد و در طی دو سال انتشار، مقام برجسته‌ای در بین مطبوعات ایـران پیـدا کـرد. اعتصام‌الملک از پیشروان تجدد نثر فارسـی محسـوب مـی‌شـده و آنچـه در ایـن مجلـه و در مطبوعات دیگر به قلم وی انتشار یافته، وی را نویسنده‌ای پرمایه، بـا قریحـهٔ رمانتیـک، و بـا تبحر در زبان فارسی نشان می‌دهد. مندرجات مجلهٔ *بهار*، آشنایی وی را با نام و آثـار تعـدادی از نویسندگان اروپایی نشان می‌دهد.[۴]

---

۱ خسروپناه(۱۳۸۱)، همان، صص۳۹- ۴۰ .

۲ مورگان شوستر(۱۳۵۱)، *اختناق ایران*، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشـتری، بـه کوشـش: فرامـرز برزگـر و اسـماعیل رائین، تهران: صفی علیشاه، ص ۲۳۸.

۳ همان، ص ۲۴۱.

۴ عبدالحسین زرین‌کوب(۱۳۷۴)، «پروین، زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان»، تهران: *دفتر ایام*، علمی، ص ۵۵.

کتاب *تربیت نسوان* در سال ۱۳۱۸ق ترجمه و در تبریز چاپ شد. اعتصام‌الملک در مقدمه، دانش و تربیت را باعث سعادت بشر می‌داند و به آثار متفکرین غربی و مصری می‌پردازد که بر لزوم تعلیم و تربیت زنان تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین انگیزهٔ اعتصام‌الملک برای ترجمهٔ قسمتی از کتاب *تحریرالمرأة*، فقدان کتابی به زبان فارسی در زمینهٔ لزوم تعلیم و تربیت زنان بود.[۱]

نکته قابل توجه، تغییری است که میرزا یوسف در ترجمهٔ عنوان کتاب صورت داده است. اگر قرار بر رعایت امانتداری در ترجمه باشد، عنوان فارسی کتاب می‌بایست «آزادسازی زن» می‌بود. اما می‌توان فهمید که با توجه به مخاطرات طرح ایدهٔ آزادی زنان در شرایط فرهنگی جامعه ایران آن زمان، مترجم مصلحت اندیشی کرده و نام کتاب را *تربیت زنان* گذاشته است. نکتهٔ دیگر، پرسشی است که در خصوص معیار گزینش فصول خاص از متن عربی برای ترجمه به فارسی است. جای آن دارد که اصل عربی کتاب یافت شود و با مقایسهٔ آن با متن گزینش شده، بررسی شود که علل احتمالی این گزینش چه می‌توانسته باشد. به هر حال، کتاب در تبریز منتشر شد و در آن زمان دامنه اثرگذاری قابل توجهی داشت. به صورتی که طالبوف تبریزی پس از مطالعهٔ این اثر با ستودن و ارج نهادن عمل اعتصام الملک، او را پایه‌گذار «عمارت بزرگ تمدن وطن» نامید. همچنین پیش‌بینی کرد که زنان در آینده در سخنرانی‌های خود از اعتصام الملک به نیکی یاد خواهند کرد.[۲] به همین علت است که دهخدا، اعتصام الملک را برپاکنندهٔ لوای آزادی و پرنده‌ای بامدادی می‌دانست که ندای بحث و ایقاظ را بر بالین خفتگان سرداد تا جامعه را از خواب غفلت بیدار کند و به آنان یاد آوری کند که صبح نزدیک است.[۳]

کتاب *تربیت نسوان* در دو فصل نخست با عنوان « تربیت زن و ماهیت ایشان» به بحث دربارهٔ ضرورت ایجاد تحول در جوامع مسلمان می‌پردازد. در ابتدای این بحث، نویسنده مقام و منزلت زن و مرد را با هم یکسان معرفی می‌کند. از نظر نویسندهٔ، مرد به علت آنکه در طول تاریخ تأمین معاش خانواده را برعهده داشت، توانست از نیروی بدنی و عقلی خود بهره بگیرد، درحالی‌که قدرت جسمی‌و ذهنی زن در اثر خانه‌نشینی دچار انحطاط شد.[۴]

---

۱ قاسم امین(۱۳۱۸ق)، *تربیت نسوان*، ترجمهٔ میرزا یوسف مستوفی(آشتیانی)، تبریز: معارف، مقدمه.
۲ یحیی‌آرین‌پور(۱۳۸۷)، *تاریخ ادبی معاصر(از نیما تا روزگارما)*، ج ۳، تهران: زوار، ص ۸.
۳ علی اکبر دهخدا(۱۳۲۱)، مقدمهٔ مجلهٔ بهار، *مجلهٔ بهار*، ج۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی، صص ب-ج.
۴ امین، همان، ص۱۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نگاه نویسنده به عقب‌افتادگی زنـان تحـت‌تـأثیر مکتـب فلاسفهٔ پیش از انقلاب فرانسه – (مانند کندرسه) –که با عنوان «فیلسوفان» شناخته می‌شدند– است که دامنهٔ اثرگذاری آن بر روشنفکران جوامع شرقی آن زمـان بسـیار بـوده اسـت. ایـن مکتب، در مقابل رومانتیسم قد علم کرد و پیروان آن، بر خلاف رومانتیست‌ها کـه قائـل بـه تفکیک دو قلمرو مردانه (خارج از خانه) و زنانه (خانه) بودنـد و تمـایزات روحـی زنـان و مردان را ذاتی می‌دانستند، معتقد بودند انسان‌ها ذاتاً برابرنـد و تفـاوت‌هـای موجـود ناشـی از تفاوت‌های آموزشی است و این نابرابری‌ها از طریق آموزش و انتقال فضیلت و دانـش ازمیـان رفته و عقلانیت در زنان گسترش می‌یابد.[۱]

با این همه، اهمیت تربیت زن در نظر نویسندگان آن دوره، بیشتر به نقـش او در خانـه و خانواده باز می‌گردد، به شکلی که زن به کمک تعلیم و تربیت می‌توانست امور خانـه را بـه خوبی اداره کند و علوم عقلی و ادبی را بیاموزد و از مبانی علوم و تعلیمات ابتدایی آگاهی یابد. تعلیم و تربیت زن می‌بایست به مقداری می‌بود که اعمال و رفتارش را پسندیده نماید.[۲]

نویسنده، یادگیری علوم وتاریخ را برای زنان لازم می‌داند چرا که با این وسیله، زنان صاحب رأی و فکر صحیح شده، در دام خرافات و وهمیات نمی‌افتند.[۳] نگاه نویسنده به اهمیـت آمـوزش زنان از توانمندسازی او برای ادارهٔ بهتر خانه فراتر رفته و به فـراهم‌سـازی زمینـه بـرای کـار و درآمد می‌رسد[۴] آنگاه بحث می‌کند که یکی از دلایل عقب‌مانـدگی ملـل شـرق ایـن اسـت کـه نیمی‌از جمعیت آن‌ها یعنی زنان، در فعالیت‌های اقتصادی شرکت ندارند. افزون بر این، زنانی کـه دارای ثروتی هستند باید بتوانند از عهدهٔ مراقبت و بهـره‌وری آن برآینـد.[۵] امـا شـاید مهـم‌تـرین استدلالی که نویسنده برای ضرورت (بلکه وجوب) آموزش زنان می‌آورد، شناسایی آن به عنـوان یک «حق طبیعی» است. بر این اساس هر انسانی حق دارد به بالاترین درجهٔ اسـتعداد برسـد کـه تنها راه رسیدن انسان به این منزلت، آموختن فضل و دانش است.[۶]

---

۱ حمیرا مشیرزاده (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی)، صص ۳۲-۳۳.

۲ همان، ص۱۷.

۳ امین، ص۱۷.

۴ همان، ص۱۹.

۵ همان، ص۲۲.

۶ همان، ص۲۳.

ضرورت تأسیس مدارس دخترانه، یکی از مباحث مهم در کتاب *تربیت نسوان* است. بر این اساس، نویسنده حتی از تساوی آموزش میان زن و مرد صرف‌نظر کرده و با تقاضایی حداقلی خواستار ایجاد مساوات در تعلیمات ابتدایی شده است.[۱] در اینجا نیز لحن محافظه‌کارانهٔ نویسنده – (و شاید مترجم نیز) –آشکار است چرا که هنوز فضای جامعه را برای طرح مسئلهٔ مساوات کامل برای تحصیل در همهٔ مقاطع تحصیلی، مناسب نمی‌داند. فصل ششم کتاب با عنوان «در عدم توافق تعلیم و تربیت با فساد اخلاق»، به یک شبههٔ رایج در جامعه آن روز می‌پردازد و آن این که تصور می‌شد که تعلیم و تربیت زنان باعث شیوع فساد اخلاقی خواهد شد.[۲] یکی از استدلال‌های رایج آن زمان در طرح این شبهه این بوده که ممکن است زنانی که سواد خواندن و نوشتن دارند با نوشتن نامه‌ها و پیام‌های عاشقانه، باب روابط غیراخلاقی با مردان نامحرم را باز کنند. نویسنده، پاسخ می‌دهد که این امر منحصر به برخی زنان باسواد نیست و ممکن است تعدادی از زنان بی‌سواد نیز دچار فساد اخلاقی شوند.[۳] اعتصام الملک این سخن نویسنده را در پاورقی مورد تاأیید قرار می‌دهد و از قول حکیمی‌می‌نویسد که دختر بی‌علم و دانش به مانند نهالی بی‌پاسبان دچار آسیب می‌شود. به عبارت دیگر نگهبان زنان، دانش آن‌هاست.[۴]

نویسنده در ادامهٔ مباحث کتاب، به این نکته می‌پردازد که یکی از علل عقب‌افتادگی ملل شرق و موفقیت استعمارگران اروپایی در استثمار منابع و ثروت‌های طبیعی مسلمانان، اهمال جوامع مسلمان در تربیت مردان و زنان است. وی زنان را بزرگ‌ترین نیروی پنهان جامعه می‌داند. از نظر نویسنده پیشرفت و ترقی زنان در اروپا بیان‌گر آن است که زنان تنها برای بقای نسل بشر آفریده نشده‌اند و توانایی دارند تا به مقامات عالیه برسند.[۵]

در فصل هشتم کتاب که عنوان آن «در زواج و معایب تعدد زوجات» است، نویسنده به یکی از آثار تعلیم و تربیت صحیح زنان، یعنی انتخاب همسر مناسب پرداخته است. خلاصهٔ سخن نویسنده، این است که عشق همسری را نمی‌توان میان چند نفر به شراکت گذاشت و زن و مرد باید پیش از ازدواج، نسبت به یکدیگر شناخت کافی داشته باشند.

---

۱ همان، ص۵۲.
۲ همان، ص۵۴.
۳ همان، ص۵۵.
۴ همان، ص۵۷.
۵ همان، ص۶۸.

باید در نظر داشت که طرح مسائلی از این قبیل در ایران آن روزگار، تحولی بزرگ بود که صدالبته با مخالفت بسیاری از اقشار سنتی مواجه شد به شکلی که دهخدا چاپ کتاب *تربیت نسوان* را در آن دوره، کاری شجاعانه توصیف می‌کند.[۱] به هر روی بیان این مسائل بر تلاش‌های بسیاری از فعالان جنبش زنان و همچنین پروین اعتصامی تأثیری به سزا برجای گذاشت.

اعتصام‌الملک پس از وقوع انقلاب مشروطه در دو دوره اقدام به چاپ مجلهٔ پرمحتوایی به نام *بهار* کرد. وی در سرمقالهٔ نخستین شماره از این مجله، هدف خود از انتشار *بهار* را آشنایی افکار عمومی‌با معلومات مفید عنوان کرد. این معلومات شامل مطالب مختلف و سودمند علمی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اقتصادی و فنون متنوع می‌شد.[۲] بخش مهمی‌از این مجله حاوی مطالبی مربوط به زنان بود و مقالات این بخش از مجله بهار را به نوعی می‌توان در امتداد مطالب بیان شده در کتاب *تربیت نسوان* دانست. تعدادی از این مقالات، ترجمهٔ مقالات نویسندگان عرب و اروپایی بود و تعدادی از مقالات را نیز اعتصام‌الملک نوشته بود.

مجلهٔ بهار در مقاله‌ای با عنوان «زن در قرن بیستم» با اشاره به گرفتاری‌های بشر، جنگ‌ها، نابرابری‌ها و فقر در جهان، علت آن را جهالت نیمی‌از بشریت یعنی زنان ذکر می‌کند و به نقل از ویکتور هوگو (Victor Hugo) می‌نویسد که زن و مرد هیچ‌کدام به تنهایی انسان نیستند، بلکه هر دو باهم انسان هستند و انسان عبارت از هر دو جنس زن و مرد است. نویسنده، دورانی را که زن‌ها سختی‌ها و ستم‌های زیادی را تجربه می‌کردند و مردان تفاوتی میان زن و حیوانات قائل نبودند را «عصر وحشیت» نام‌گذاری می‌کند. در این «ادوار جهالت»، زن را جزء اثاث البیت به حساب می‌آوردند و هر وقت که مرد، می‌خواست، آن‌ها رادور می‌انداخت، می‌فروخت و یا می‌بخشید. به تدریج زن را هم پایهٔ کودک غیر ممیّز قرار دادند. از نظر نویسنده، تاریخ زن، سرشار از تحقیر به وسیله عامهٔ و حتی نخبگان جامعه است و با مثال آوردن از وضعیت ناگوار زنان در ادوار گذشتهٔ مغرب زمین از یونان باستان تا دورهٔ شارلمانی، تأکید می‌کند که تا روزگار نگارش مقاله در مشرق زمین، زنان مورد ستم واقع می‌شوند، تا جایی که در هند گاه دختران را در معابد قربانی می‌کنند.[۳] نویسنده با اشاره به تعلیمات مسیح دربارهٔ تلطف و عطوفت نسبت به زنان و دستورات دین اسلام که زنان را از مذلت رهایی داد و

---

۱ دهخدا، همان، ص د .

۲ میرزا یوسف اعتصام الملک (۱۳۲۱)، *مجلهٔ بهار*، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، ج۱و۲، ج۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی، ص ۱.

۳ همان، ج ۲، صص ۲۹۷-۲۹۸ .

اعراب جاهلی را از دخترکشی منع نمود، این دوره را زمان دستیابی زنان به موقعیتی در جامعه نام‌گذاری می‌کند. وی سپس با اشاره به نظرات پترارک(Petrarque)، دانته (Dante)، کورنی (Cornille) و شکسپیر (Shakspeare) آن‌ها را نویسندگان و شعرایی معرفی می‌کند که به تعریف و تمجید از زنان و صفات آن‌ها پرداخته‌اند. وی زن را موجودی آفریده از عواطف و احساسات معرفی می‌کند و با نمونه آوردن از فرهیختگان و دانشمندان زن، سخنان افرادی نظیر بوسوئه (Bossuet) ؛ که زن را بی نصیب از فهم و ادراک و می‌دانند؛ را تقبیح و رد می‌کند.[۱]

اعتصام‌الملک در مقالهٔ دیگری با عنوان «لزوم تربیت نسوان» بر این نظر است که فرزند از زمان تولد تا هنگام بلوغ، بیش از همه در کنار مادر قرار دارد و همدم و همنشین مادر است، لذا اگر مادر در تعلیم و تربیت فرزند بکوشد و اصول اولیهٔ زندگی و اخلاق را به او بیاموزد و در وجودش نهادینه کند، فرزند به موفقیت دست خواهد یافت و این امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه مادر، خود تربیت شده و تعلیم یافته باشد.[۲] وی در مقالهٔ دیگری با عنوان «اصلاح حقیقی» از قول ژول سیمون (Jules Simon) همین سخنان را تکرار می‌کند و می‌نویسد که اصلاحات تربیتی و اجتماعی بر اصلاحات سیاسی مقدم است و اساس اصلاحات تربیتی و اجتماعی، مبتنی بر تربیت در خانواده و مدرسه می‌باشد که اولی بر دومی‌تقدم و اولویت دارد. تربیت در خانواده نیز زمانی صحیح صورت خواهد گرفت که متصدی آن؛که مادر است؛ تعلیم و تربیت یافته باشد.[۳] مقالهٔ «اختراعات نسوان » نیز بر نظر برابری عقلی زن و مرد اصرار می‌ورزد و برای اثبات آن از اختراعات زنان دانشمند نمونه می‌آورد.[۴]

مجلهٔ بهار در زمینهٔ حقوق زنان نیز مطالب قابل توجهی دارد. مقاله‌ای با عنوان «موقع اجتماعی نسوان در چین» به بیان موقعیت و منزلت پایین زنان در جامعهٔ چین می‌پردازد. زنان در چین حق انتخاب همسر نداشتند و پدر و مادر، دختر را مجبور می‌کردند تا با هر فردی که خود صلاح می‌دانستند، ازدواج کند و پس از ازدواج نیز وظیفهٔ زن منحصر به خانه‌داری و صرفه‌جویی بود. هنگامی‌که یک دختر در خانواده چینی متولد می‌شد، آن خانواده اندوهگین می‌شدند و حتی برخی از چینی‌ها نوزادان دختر خود را از خانه طرد می‌کردند.[۵]

---

۱ همان، ج ۲، صص ۲۹۸- ۲۹۹ .
۲ همان، ج۱، ص۴۳۵ .
۳ همان، ج ۱، ص ۴۳۳ .
۴ همان، ج ۱، ص ۱۷۲ .
۵ همان، ج ۱، صص۱۷۶-۱۷۷ .

اعتصام‌الملک با توجه به فضای بستهٔ اجتماعی و فرهنگی در اواخر دورهٔ قاجاریه که انتقاد از نگرش جامعه نسبت به زنان با عکس‌العمل‌های متعصبانه‌ای روبرو می‌شد، بـا مثـال آوردن از جامعهٔ چین سعی داشت تا نگرش متعصبانه و تبعیض‌آمیـز نسـبت بـه زنـان را مـورد نقـد و چالش قرار دهد و رد کند.

اعتصام‌الملک در مقالهٔ دیگری با عنوان «حقوق نسوان» از اقدامات جنبش زنان در امریکا و اروپا برای به دست آوردن حقوق شان از جمله حق رأی زنان، خبر می‌دهد و چنین نتیجـه می‌گیرد که نیروی زنان در پیشبرد خواسته‌هایشان در جامعه رو به فزونی نهاده است.[۱] مقالـهٔ «نسوان و خدمات عمومی» به نظـرات دانشـمندان و متفکـرین غربـی معاصـر دربـارهٔ زنـان می‌پردازد که به این نتیجه رسیده بودند، که موقعیت و منزلـت زنـان در آینـده رو بـه ترقـی خواهد نهاد و می‌بایست از حقوق و خواسته‌های زنان پشتیبانی کرد. وی با اشاره بـه مقالـه‌ای از روزنامه‌ای فرانسوی چنین نقل می‌کند که با توجه به حضور گستردهٔ اقتصـادی و اجتمـاعی زنان در جامعهٔ اروپا و تلاشی که برای به دست آوردن حقوق زنان صورت می‌گیـرد، ایجـاد هر گونه مانع در برابر احقاق حقوق زنان بیهوده است.[۲]

اعتصام الملک با نگارش و ترجمهٔ آثار مختلف بر لزوم تعلیم و تربیت زنان بـرای ایجـاد جامعه‌ای پیشرفته و سعادتمند تأکید می‌کرد. او معتقد به احقاق حقوق زنـان در عرصـه‌هـای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود و این امر بدون وجود مادرانی تحصیل کرده و تربیت یافته در جامعه محقق نمی‌شد. در نتیجه، اعتصام الملک در زمینهٔ حقوق زنان، اولویت کـار فرهنگـی خود را بر آگاهی بخشی در مورد لزوم تعلیم و تربیت زنان قرار داد و خود نیـز در عمـل بـه تعلیم و تربیت تنها دخترش پروین اعتصامی‌همت گماشت.

زندگی و زمانه پروین

پروین دختر اعتصام‌الملک، در ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ش، یعنی چند ماه پـس از صـدور فرمـان مشروطیت، در تبریز چشم به جهان گشود. پروین در زمانی متولد شد که زنان بـا مشـکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی روبرو بودند. دوماه قبل از تولد او مقارن با روزی که مظفرالـدین شاه قاجار، قانون اساسی مشروطه را امضا کرد، تقاضای یکی از فعالان حقوق زنان از مجلـس

---

۱ همان، ج۱، صص۱۷۹– ۱۸۰.
۲ همان، ص۱۸۱.

جهت حمایت حکومت از تأسیس مدارس دخترانه، ردّ شد و در *روزنامهٔ مجلس* در جواب این تقاضا عنوان شد که می‌بایست تعلیم و تربیت زنان منحصر به خانه‌داری و امور خانواده شود و مجلس دخالت زنان را در امور اجتماعی و سیاسی لازم نمی‌داند.[۱] این درحالی بود که مخالفین مشروطه، مواضع سرسختانه‌تری نسبت به آموزش زنان و شرکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشتند. در سال ۱۲۹۱ش، اعتصام‌الملک که مترجم و روزنامه‌نگاری روشنفکر بود، به سبب انتخاب شدن به عنوان نمایندهٔ دور دوم مجلس شورای ملی، عازم پایتخت شد و پروین که شش ساله بود، همراه با خانواده به تهران مهاجرت کرد. از آن پس، پروین در مجالس ادبی که با حضور ملک‌الشعرای بهار، علامه دهخدا، نصرالله تقوی، اقبال آشتیانی و سعید نفیسی در خانهٔ پدرش تشکیل می‌شد، شرکت می‌جست و از دانش و معلومات آن‌ها بهره می‌برد.[۲]

پدر پروین در پرورش ذوق و قریحهٔ شعری او بسیار مؤثر بود. وی مربی پروین اعتصامی‌بود و قطعات زیبا و لطیفی از کتب خارجی (فرنگی و ترکی و تازی) گرد می‌آورد و به فارسی ترجمه می‌کرد و پروین خردسال را تشویق می‌نمود تا این قطعات را به نظم در آورد.[۳] بدیهی است که زندگی در چنین محیط فرهنگی، در پرورش ذهن و روح پروین، تأثیری بسزا داشت. اعتصام الملک خود به آموزش دخترش همت گماشت و به او ادبیات فارسی و عربی را آموخت.[۴] و معلمینی برای آموزش او در خانه به استخدام در آورد. وی اشعار زیبای پروین را در *مجلهٔ بهار* منتشر می‌کرد. و نخستین شعر پروین با عنوان «ای مرغک » در شمارهٔ اردیبهشت، سال ۱۳۰۰ در مجلهٔ بهار منتشر شد.

تا ۱۲۹۰ش، تنها دو آموزشگاه دخترانه در تهران وجود داشت که آمریکایی‌ها و فرانسوی‌های مقیم تهران دایر کرده بودند. البته باید به یاد داشت که پروین در تبریز در محیطی رشد کرده بود که بنیان‌گذاری و سپس تخریب مدرسهٔ «رشدیه» در آن تجربه شده بود. به هرحال، پس از مهاجرت به تهران، او در کالج آمریکایی‌ها مشغول تحصیل شد. خرداد سال ۱۳۰۳ش از کالج آمریکایی فارغ‌التحصیل و در همان‌جا مشغول تدریس شد. سال بعد، از طرف

---

۱ *روزنامهٔ مجلس*(۱۲۸۵)، ش۶،۹ دی ۱۲۸۵، ص۴.

۲ زرین‌کوب، همان، ص ۵۶ .

۳ محمدتقی بهار(۱۳۲۲)، «سنخ دلالان استعمار»، *نوبهار*، ش ۸۵، ص ۵۷.

۴ ابوالفتح اعتصامی(۱۳۵۳)، *مجموعه مقالات و قطعات اشعار* که به مناسبت درگذشت و نخستین سال وفات خانم پروین اعتصامی نوشته و سروده شده است، تهران: ابوالفتح اعتصامی، ص ۶،

حکومت به او پیشنهاد شد که به دربار وارد شود که با امتناع پروین مواجه گشت.[۱] در ۱۹ تیر ۱۳۱۳ش با پسرعموی پدرش، فضل‌الله آرتا که رئیس نظمیهٔ کرمانشاه بود ازدواج و پس از چهار ماه همراه وی به آن شهر رفت، اما این ازدواج دیری نپایید و در بهمن ماه همان سال از او جدا و به منزل پدری بازگشت. او توانایی ادامهٔ زندگی مورد دلخواه همسرش را نداشت.[۲] چرا که شوهر او نظامی‌و در استخدام حکومت رضاشاه بود، درحالی‌که پروین، یک ادیب و شاعر با روحیه‌ای حساس و انسانی بود و حاضر نبود به همکاری با دربار پهلوی بپردازد.

پس از آنکه پروین به منزل پدرش بازگشت، اعتصام الملک رضایت داد تا دیوان اشعار پروین اعتصامی‌به چاپ برسد، زیرا در آن دوره، انتشار اشعار دختری مجرد مورد تعبیرات سوء بداندیشان واقع می‌شد که با ازدواج ناکام پروین اعتصامی‌این مانع نیز برطرف شده بود. چاپ اول *دیوان* پروین در ۱۳۱۴ش در تهران و با مقدمهٔ ملک‌الشعرای بهار منتشر شد. اعتصام الملک در یادداشت‌هایی که از او برجای مانده است به تمجید از آرای فلسفی و کلمات اخلاقی و اسلوب شعر پروین اعتصامی‌پرداخت و امتیاز اشعار پروین را در دور بودن از تصنع لفظی و معنوی و بیان صریح عقاید شاعر دانست. اشعار پروین از نظر پدرش مولود ذهنی حساس و آزاد و طبعی مبتکر و مستقل بوده که از مدیحه‌سرایی، گریزان و از عزت نفس، سرشار است.[۳]

اعتصام الملک که خود فردی نیک نهاد، اصلاح طلب و دارای عزت نفس بود، با تعلیم و تربیت صحیح پروین اعتصامی، خصایل نیکوی خود را در وجود دخترش نهادینه کرد و بسیاری از آرا و افکار اعتصام الملک که در نشریهٔ *بهار* در زمینه‌های تعلیم و تربیت، برقراری عدالت، ظلم ستیزی، اخلاق، مساوات و آزادی به رشتهٔ تحریر در آمده، به گونه‌ای زیبا و هنرمندانه در اشعار پروین اعتصامی‌متجلی شده است. هنگامی‌که دیوان اشعار پروین اعتصامی‌منتشر شد، مورد تمجید بزرگ‌ترین ادیبان و منتقدین ادبی آن دوره قرار گرفت. علامه قزوینی، پروین اعتصامی‌را «ملکه النساء الشواعر»، «خنساء عصر» و «رابعه دهر» نامید که قصایدش با قصاید ناصرخسرو برابری می‌کند و این نتیجه سال‌ها مجالست و تحصیل نزد بزرگان علم و ادب است.[۴]

---

۱ همان، ص ۷

۲ مهکامه محصص(۱۳۴۹)، «در کنار پروین اعتصامی و نیما یوشیج»، *روزنامهٔ اطلاعات*، ش۱۳۴۰۶، ص ۱۴.

۳ همان، ص ۱۴

۴ همان، صص۱۹- ۲۱ .

پروین اعتصامی‌در دوم خرداد ۱۳۱۵ش به کتابداری کتابخانه دانشسرای عالی مشغول شد و در سال بعد، از آن شغل کناره‌گیری کرد. پروین اعتصامی‌در مدت خدمت، به عنوان کتابدار آرام و بدون تکبر به کار مشغول بود.[۱] و اندکی خود ستایی و برتری طلبی در او مشاهده نمی‌شد و با تأنی و وقار رفتار می‌کرد.[۲] پروین اعتصامی‌به الگوی دختران مستعدی تبدیل شده بود که می‌خواستند به عرصهٔ ادبی و فرهنگی وارد شوند.[۳]

ظهور و بروز پروین اعتصامی‌به عنوان شاعری توانمند در عرصهٔ فرهنگی کشور، مقارن با سلطنت رضاشاه پهلوی و دوره‌ای از دیکتاتوری سیاسی بود. هنگامی‌که دورهٔ کشف حجاب آغاز شد و به دستور رضاشاه برداشتن حجاب اجباری گردید، پروین اعتصامی‌از جریان‌های مربوط به کانون بانوان و انجمن‌های زنان کناره گرفت، زیرا از محیط و اوضاع ناراضی بود و طبعی حساس داشت، در نهایت نیز از فعالیت در هیأت مدیرهٔ کانون بانوان، کناره گیری کرد.[۴]

رضاشاه با دنباله‌روی از آتاتورک، تنها تغییرات را در جهتی پیش می‌برد که منجر به افزایش قدرت شخصی او شود. وی برای انجام تغییرات اجتماعی به زور متوسل شد. از نظر او تنها تغییراتی مهم بود که خانوادهٔ پهلوی را در محوریّت طبقهٔ حاکم جدید قرار دهد.[۵] وی در شرایطی اقدام به برداشتن اجباری حجاب از سر زنان ایران کرد که زنان با مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه بودند و در حوزهٔ بهداشت و سلامت، گرفتاری‌های عدیده‌ای داشتند. حکومت به جای آنکه به رفع مشکلات عدیده زنان بپردازد و در بهبودکمی‌و کیفی وضعیت تعلیم و تربیت زنان بکوشد، به تغییر ظاهر اجباری زنان پرداخت. این کردار حکومت، به هیچ وجه باکرامت انسانی و آزادی زنان، سازگار نبود و مشکلات عدیده‌ای در سطح جامعه فراهم آورد. پروین اعتصامی‌نیز که با دیکتاتوری، زورگویی و بی عدالتی مخالف بود، نمی‌توانست با اقدامات و تغییرات ظاهری پهلوی اول همراه شود، لذا از امور اجتماعی و انجمن‌های زنان نیز کناره گرفت.

پدر پروین در ۱۲ دی۱۳۱۶ش درگذشت. مرگ پدر به شدت در روحیهٔ پروین اعتصامی‌اثر منفی بر جای نهاد.[۶] چهار سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۰ش، پروین به بیماری

---

۱ سیمین دانشور(مهر ۱۳۷۴)، «پروین اعتصامی‌نوآور، زنانه و پاک»، *کلک*، ش۶۷، ص ۷۹.
۲ سعید نفیسی(۱۳۲۳)، «پروین اعتصامی»، *مجلهٔ پیام نو*، ش ۲، ص ۹۹.
۳ سیمین بهبهانی(۱۳۷۸)، «چنگ این چنگی شیرینکار»، *یاد بعضی نفرات*، تهران: البرز، ص ۱۲۳.
۴ بدرالملوک بامداد(۱۳۴۷)، *زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن‌سینا، صص ۵۴-۵۵.
۵ الیز ساناساریان(۱۳۸۴)، همان، ص ۱۰۹
۶ محصص، همان.

حصبه دچار شد و در اثر اهمال و اشتباه پزشکان، جان خود را از دست داد. مقبرهٔ پروین در صحن جدید حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه(س) در قم و در کنار مزار پدرش قرار دارد.

پروین را باید از شاعران دورهٔ گذار از مشروطه به ایران نوین دانست. هرچند نزدیک به بیست سال از زندگی‌اش را در دوران نوین‌سازی رضاشاه گذرانده، اما تأثیر شگرف آرمان‌های مشروطه را می‌توان در جای جای اشعارش بازیافت؛ آرمان‌های آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی که در مطالبهٔ تأسیس عدالتخانه، حکومت قانون و مشروط نمودن قدرت بی حد و حصر به قانون و تمکین حاکمان غیرپاسخگو به ارادهٔ مردم تجلی یافت. از جملهٔ این خواسته‌ها، تغییر و تحول نقش و جایگاه زنان در جامعه بود. تأثیر تحولات جامعه و به ویژه محیط اجتماعی پیرامون پروین اعتصامی‌در نگاهش به موضوع زن، انکارناپذیر و در آثار باقی‌مانده از او بس آشکار است.

زن در آثار پروین

درست است که پروین اعتصامی‌را بیشتر به عنوان شاعر می‌شناسیم، اما دست‌نوشته‌های دیگر او، مانند نامه‌هایش به مهکامه محصص، نیز نشان از شخصیت و افکار او دارد. در خرداد ۱۳۰۳ش، در جشن فارغ‌التحصیلی از مدرسه «اناثیه آمریکایی» (ایران بیت آل)، به رسم نظام آموزشی آن مدرسه، پروین مقاله‌ای ارایه کرد با عنوان «زن و تاریخ» که مروری بر آن، دیدگاه این دختر نوجوان در قبال وضعیت زنان در جامعهٔ خویش را آشکار می‌کند. وی پس از اشاره به تحول عظیمی‌که در دنیای متجدد در شناخت تاریخ بشر به وجود آمده، به پیدایش علم آنتروپولوژی اشاره می‌کند. به راهنمایی این علم، بشر دریافت که مرد در طی دوران انتقال از دورهٔ توحش به مدنیت در حق زن، ظلم‌های بسیاری روا داشته و زن را به موجودی پوچ و بی اراده تبدیل کرده است و سپس زن را به ضعف نفس و درک و انحطاط قوای معنوی متهم کرده است. ضعف فرهنگی و اجتماعی زنان، کار را به جایی رساند که فضایل اخلاقی در جامعه رو به زوال نهاد.[۱]

سپس پروین اعتصامی‌به تغییر وضعیت زنان در غرب در اثر تعلیم و تربیت اشاره می‌کند و می‌گوید که زن پس از قرن‌ها درماندگی به حقوق آموزشی و تربیتی خود رسید و به جایگاه واقعی‌اش نزدیک شد. در نتیجه اهمیت یافتن تعلیم و تربیت زنان، توانایی عقلی آن‌ها

---

۱ ابوالفتح اعتصامی، همان، صص۲۳-۲۴ .

پرورش یافت و زنان به تکالیف خود در جامعه و خانواده پی بردند و در تعلیم و تربیت فرزندانشان؛که مردان آینده بودند؛ کوشیدند.[۱] سپس پروین به آنچه در مشرق زمین درباره زنان روی داده، اشاره می‌کند و می‌گوید که زنان در شرق، روزگاری تاریک، اندوهبار و همراه با رنج و مشقت و سرشار از مذلت و اسارت داشته‌اند. وی ناتوانی و شکست مردمان مشرق زمین را ناشی از بی‌توجهی، به تربیت زنان می‌داند، زیرا در اثر این بی‌توجهی زندگی نیمی‌از جمعیت مشرق زمین ضایع شد و مادران نادان، فرزندانی بی‌دانش پرورش دادند که از تادیب و تهذیب، محروم بودند و لاجرم، اسباب تباهی و تیره روزی مشرق زمین را فراهم آوردند. پروین اعتصامی‌هم‌چنین به بیداری مشرق زمین در سدهٔ معاصر اشاره می‌کند و درمان تمام دردهای اجتماعی را منحصر به تعلیم و تربیت زن و مرد و تمام طبقات جامعه می‌داند و از نظر او، این تنها راه بازگشت ایران به عظمت پیشین خود است.[۲]

پیداست که در این مقاله، نگاه پروین به زن، در میانهٔ راه سنت و تجدد قرار دارد و به دنبال نشان دادن اهمیت نقش تربیتی زنان در ایجاد تحولات ضروری جامعه است. به بیان دیگر، و چنانچه در بسیاری از اشعار او نیز خواهیم دید، این نگاه، بازتاب هویت یک زن سنتی اصیل را بازگو می‌کند که پیش از این در تربیت نسوان نیز مشاهده کردیم. با این همه، عصیان پروین در مقابل جایگاه سنتی زن را در قطعه‌ای با عنوان «گنج عفت» با مطلع «زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود» می‌توان آشکارا مشاهده کرد. پروین در این شعر، وضع اسفبار زنان ایران را بیان کرده و توضیح می‌دهد که چگونه زنان در شرایط اجتماعی خفقان‌بار، قربانی گردیده و بدون فریادرسی باقی مانده بودند.[۳] او همچنان‌که در مقالهٔ «زن و تاریخ» نیز آمد، راه‌حل نجات زنان ایرانی از این وضعیت را کسب علم و دانش می‌داند؛ ابزار رهایی‌بخشی که تا پیش از آن، از دسترس زنان به دور مانده بود.از نظر پروین حتی حفظ عفاف و پاکی و جایگاه والای زن نیز نیازمند آگاهی است.[۴]

شعر «فرشته انس» نیز نشان از مخالفت پروین با نابرابری زن و مرد، به ویژه در عرصهٔ علم‌آموزی، دارد:

---

۱ همان، ص۲۴.

۲ همان، صص۲۵- ۲۶ .

۳ پروین اعتصامی(۱۳۲۰)، *دیوان قصائد و مثنویات و مقطعات خانم پروین اعتصامی، تهران: ابوالفتح اعتصامی*، ص ۲۳۲.

۴ همان، ص۲۳۳.

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت — برای مرد کمال و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانه هستی — که ساخت خانه بی‌پای بست و بی‌بنیان؟

و آنگاه، ضرورت برابری زن و مرد در کسب دانش را مطرح می‌کند:

چه زن چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا — که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامان

اما این‌جا نیز، نادیده گرفتن نقش تربیتی زن به عنوان مادر است که محور نگاه انتقادی پروین قرار می‌گیرد:

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ — بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

از نظر پروین در این شعر،مردان بزرگ در دامان مادران و پرستاران فرهیخته پرورش یافتند.[۱]

در شعر «نهال آرزو»، که برای جشن فارغ‌التحصیلی از کالج آمریکایی سروده است، پروین از زنان می‌خواهد که با علم‌آموزی، حقوق از دست رفته خویش را به دست آورند. طرح این که آموزش و پرورش زنان، یک «حق» است نسبت به تمامی‌استدلال‌هایی که برای توجیه ضرورت تحصیل دختران در آن زمان مطرح می‌شد، پیشروتر است؛ نکته‌ای که چنانچه دیدیم در کتاب *تربیت نسوان* آمده بود. بنابراین، کسب دانش برای زنان، به عنوان یک حق، هدف است و به عنوان راه رسیدن به حقوق خود، وسیله:

پستی نسوان ایران، جمله از بی دانشی است — مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن — تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است
از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره‌اند؟ — نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری؟
دامن مادر، نخست آموزگار کودک است — طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری؟[۲]

پروین، این توجه و محور بودن نقش تربیتی زن را در شعر «حدیث مهر»، بیان می‌کند:

گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان — روزی تو هم شوی چو من ای دوست، مادری
گرد توچون که پر شود از کودکان خرد — جز کار مادران نکنی کار دیگری

وی با وصف وظایف و دل نگرانی‌های مادر بودن، سرانجام نتیجه می‌گیرد که برای مادر، هیچ زحمت و وظیفه‌ای شیرین‌تر و فرخنده‌تر از پرورش فرزند نیست.[۳]

اشعار پروین دربارهٔ زن، آیینهٔ تمام نمای شرایط روزگار اوست: زن ایرانی، به عنوان عضو

---

۲ همان، ص۶۹ .
۱ همان، صص۲۶۱-۲۶۲.
۲ همان، صص۱۲۴-۱۲۵ .

جامعه‌ای که در میانهٔ سنت و تجدد قرار دارد، به دنبال یافتن جایگاه و کارکرد بایستهٔ خویش در جامعه است. از یک سوی بر احقاق حقوق خود بر فاصله گرفتن از وضعیت تحقیرآمیزی که بر او تحمیل شده و نادیده انگاشته نشدن خویش اصرار می‌ورزد، و از سوی دیگر، عرصهٔ وجودی خود و جولانگاه تلاش خود را در همسری خوب بودن، مادری خوب بودن، و شریکی مهم و قابل اعتماد و تکیه بودن جستجو می‌کند. زن ایرانی در شرایط گذار، می‌خواهد «دیده» شود و این خواست، بازتاب خودآگاهی است که در جریان نهضت مشروطه‌خواهی پدیدار شد.پروین اعتصامی‌با توجه به فضای بستهٔ اجتماعی و سیاسی دورهٔ سلطنت رضا شاه برای بیان انتقادات و مخالفت‌های خود با آنچه که در جامعه می‌گذشت، شیوهٔ خاصی ابداع کرد. او جهانی افسانه‌ای آفرید که در آن عناصر در حال مناظره با یکدیگر، نماد عوامل متنازع اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و زبان حال طبقات ضعیف جامعه ایران بودند.[۱] وی باقرار دادن زبردستان متنعم در برابر فرودستان گرفتار، رنج و درد محرومان جامعه به ویژه پیرزنان، بیوه زنان و یتیمان را به تصویر کشید . شعر «قطره خون» این تفاوت و نابرابری اجتماعی را بیان می‌کند و نمونه‌ای از انتقادهای شاعر نسبت به شرایط اجتماعی است.[۲]

پروین در شعر مناظره‌ای خود از سیاق شعر اساتید قدیم شعر ایران بهره گرفته است، ولی شیوهٔ برداشت مطالب و بیان افکار و عواطف او نو و ابتکاری می‌باشد.[۳] حتی اشعار پروین اعتصامی‌به لحاظ محتوایی نیز با اشعار زنان شاعر دورهٔ معاصر متفاوت است و در آن اثری از ابراز احساسات زنانه دیده نمی‌شود، به شکلی که او تنها در سه مورد ازدواج، مرثیه برای پدر و قطعه‌ای برای سنگ مزارش از خود سخن گفته است.[۴] وی به دور از هرگونه خواهش نفسانی و تبلیغ مرام و مسلکی خاص، به مبلغ افکار جدید، مبدّل شده است و از شعر خود برای فراهم آوردن زمینهٔ فکری اصلاحات اخلاقی و اجتماعی بهره می‌گیرد.[۵] این امر، نتیجهٔ مقتضیات دوره زندگی شاعر و محیط پرورش او می‌باشد.[۶] پروین فرزند زمان خویشتن بود و

---

۱ عبدالرحیم ذاکرحسین(۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، ج۲، تهران: انتشارات علم، ص ۷۲.

۲ همان، ص۸۸.

۳ عبدالحمید خلخالی(۱۳۳۳)، *تذکره شعرای معاصر ایران*، ج۱، تهران: انتشارات طهوری، ص ۶۶.

۴ مهردخت برومند(۱۳۷۶)، «پروین و دیگر شاعران زن»، *یادمان پروین*، به کوشش سید محمود طباطبایی اردکانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ص۲۰.

۵ یحیی آرین‌پور، همان، ج ۳، صص۵۴۰-۵۴۱.

۶ غلامحسین یوسفی(۱۳۷۶)، چشمه *روشن*، تهران: علمی، صص۴۱۴-۴۱۵.

تأثیرپذیری او از گفتمان رایج دورانش را باید بیش‌تر اثرپذیری از آثار و افکار پدرش، یوسف اعتصام‌الملک دانست، که نقش اصلی را در پرورش پروین اعتصامی‌و فراهم کردن زمینه شکوفایی استعداد او فراهم ساخت.

نتیجه‌گیری

جایگاه و نقش زن ایرانی در دوران پس از نهضت مشروطه‌خواهی در مسیر تحول قرار گرفت. روشنفکران مشروطه‌خواه، خواهان ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی بودند و در این زمینه، نوشته‌های مهمی‌منتشر کردند. کتاب تربیت نسوان به ترجمهٔ میرزا یوسف مستوفی آشتیانی (اعتصام الملک) پدر پروین اعتصامی، یکی از تأثیرگذارترین و پیشروترین آثار در موضوع تحول جایگاه زن در آن دوره به شمار می‌رود. تأثیر این کتاب و دیگر افکار اعتصام‌الملک در آثار منثور و منظوم دخترش پروین، متجلی است. مهم‌ترین محورهای این اثرگذاری عبارت است از:

آگاه‌سازی زنان ایرانی از وضعیت رو به بهبود زنان در کشورهای دیگر

انتقاد از وضعیت اسفبار زنان ایرانی و دور ماندن آنها از زندگی اجتماعی

بی‌بهره شدن جامعه از نیمی‌از نیروی کار زنان

ضرورت تحصیل دختران و سوادآموزی زنان جهت ایفای بهتر نقش اجتماعی خود

بی‌تردید، اشعار پروین اعتصامی‌در گسترش آگاهی‌های زنان دوران خویش، اثری برجای ماندنی داشت و نقش پدر فرهیختهٔ او در دعوت پروین به این راه، انکارناپذیر است. اشعار پروین اعتصامی‌تجلی افکار بدیع و مصلحانهٔ پدرش اعتصام الملک آشتیانی بود.

منابع و مآخذ

- آرین پور، یحیی(۱۳۸۷)، *تاریخ ادبی معاصر(از نیما تا روزگارما)*، ج ۳، تهران: انتشارات زوار.
- آفاری، ژانت(۱۳۷۹، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمهٔ رضا رضایی، تهران: انتشارات بیستون.
- ـــــ(۱۳۷۷)، *انجمن نیمه سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمهٔ جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو.
- استفانی، کرونین(۱۳۷۸)، *رضا شاه و شکل گیری ایران نوین*، ترجمهٔ مرتضی ثاقب فر، مقاله برنامه گسترده برای زنان ایران «نو»، یاسمین رستمکلایی، تهران: نشر جامی.
- استرآبادی، بی بی خانم(۱۳۱۲ق)، *معایب الرجال*، [بی‌جا]: [بی‌نا]: (نسخه چاپ سنگی) .
- اعتصام الملک، میرزا یوسف(۱۳۲۱)، *مجلهٔ بهار*، ج۱و۲، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، تهران: ابوالفتح اعتصامی.

- اعتصامی، ابوالفتح(۱۳۷۰)، «پاسخ ابوالفتح اعتصامی‌به پرویز نقیبی»، *یادمان پروین اعتصامی*، به کوشش علی دهباشی، تهران: دنیای مادر.
- ـــــــ(۱۳۵۳)، *مجموعه مقالات و قطعات اشعار* که به مناسبت درگذشت و نخستین سال وفات خانم پروین اعتصامی‌نوشته و سروده شده است، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- اعتصامی، پروین(۱۳۲۰)، *دیوان قصائد و مثنویات و مقطعات خانم پروین اعتصامی*، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- امین، قاسم (۱۳۱۸ق)، *تربیت نسوان*، ترجمهٔ میرزا یوسف مستوفی (آشتیانی)، تبریز: معارف.
- بامداد، بدرالملوک(۱۳۴۷)، *زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن‌سینا.
- ـــــــ(۱۳۴۷)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن‌سینا.
- برومند، مهردخت(۱۳۷۶)، *«پروین و دیگر شاعران زن»، یادمان پروین*، به کوشش سید محمود طباطبایی اردکانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهار، محمدتقی(۱۳۲۲)، «سنخ دلالان استعمار»، *نوبهار*، ش ۸۵.
- بهبهانی، سیمین(۱۳۷۸)، «چنگ این چنگی شیرینکار»، *یاد بعضی نفرات*، تهران: البرز.
- تاج السلطنه(۱۳۷۱)، *خاطرات*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خداداد لزرجانی(۱۳۸۶)، *معصومه، نقش زنان در انقلاب مشروطه*، رشت: انتشارات ایلیا.
- خسروپناه، محمدحسین(۱۳۸۱)، *هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، تهران: پیام امروز.
- خلخالی، عبدالحمید(۱۳۳۳)، *تذکره شعرای معاصر ایران*، ج۱، تهران: طهوری.
- دانشور، سیمین(مهر ۱۳۷۴)، «*پروین اعتصامی‌نوآور، زنانه و پاک*»، *کلک*، ش۶۷.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۲۱)، مقدمه مجلهٔ‌بهار، *مجلهٔ بهار*، ج۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- ذاکرحسین، عبدالرحیم(۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، ج۲، تهران: انتشارات علم.
- *روزنامهٔ ایران نو*(۱۲۹۰)، « درباره مصائب زنان »، ش ۱۰۲.
- *روزنامهٔ شکوفه*(۱۳۳۱هق)، ش ۶.
- *روزنامهٔ مجلس(۱۲۸۵)*، ش۶.
- *روزنامهٔ مساوات*(۱۳۲۶هق)، «تظلم جماعت نسوان طهران به انجمن اتحادیه طلاب»، ش۱۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین(۱۳۷۴)، «پروین، زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان»، *دفتر ایام*، تهران: علمی.
- سانساریان، الیز(۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*، ترجمهٔ نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران .
- سپهر، عبدالحسین(۱۳۶۸)، *مرآت الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- شوستر، مورگان(۱۳۵۱)، *اختناق ایران*، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش: فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: صفی علیشاه

- شیخ الاسلامی، پری(۱۳۵۱)، *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*، تهران: مؤلف.
- کسروی، احمد(۱۳۵۴)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کوماری جایواردنه(۱۳۷۷)، *مبارزات زنان در ایران*، ترجمهٔ مه‌لقا کاشفی، جنس دوم (مجموعه مقالات)، به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه.
- محصص، مهکامه(۱۳۴۹)، «در کنار پروین اعتصامی‌و نیما یوشیج»، *روزنامهٔ اطلاعات*، ش۱۳۴۰۶.
- مشیرزاده، حمیرا(۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی).
- نفیسی، سعید(۱۳۲۳)، « پروین اعتصامی»، *مجلهٔ پیام نو*، ش ۲.
- نجم آبادی، افسانه(۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان (از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- یوسفی، غلامحسین(۱۳۷۶)، *چشمه روشن*، تهران: علمی.
- Afsaneh Najmabadi(1993), *Hazards of Modernity and Morality: Woman State, and Idology in Contemparary Iran , in Albert Hourani,Philip S. Khoury and Mary Wilson, eds, The Modern Midel East*, Berkeley and Los Angeles, Calif : University of California Press.